

میرزا تقی‌خان کاردار کیانی (معتصم‌الملک)

محمد حسین سلیمانی

درآمد

درباره بعضی از رجال مؤثر تاریخی، به‌ویژه در عصر قاجاریه و با توجه به تشابه القاب، اطلاعات اندک و پراکنده‌ای موجود است. رد پای بعضی از آنها حتی در معتبرترین منابع رجالی این عصر نیز یافت نمی‌شود. اسناد و اطلاعات پراکنده منابع، می‌تواند در بازسازی یک تصویر کلی از روزگار و مناسبات آنها، یاری‌رسان باشد. بر همین اساس این نوشتار نیز به بازنویسی یازده سند تازه‌یاب از میرزا تقی‌خان معتصم‌الملک کاردار کیانی پرداخته است؛ سپس به ردگیری و پیمایش سابقه تاریخی و ادبی معتصم‌الملک در منابع پرداخته و در فرجام نیز به اهمیت شخصیت ادبی و علمی او و نیز تعاملات او با رجال ادبی معاصرش، همچون احتشام‌الملک، کمالی و کسروی و نقشی که بر پدر شعر نو، نیما یوشیج داشته، اشاره شده است.

مقدمه

پژوهش پیرامون شخصیت‌ها و رجال معاصر، به‌ویژه با تکیه بر اسناد، امری است که با توجه به حجم انبوه آن، بسیار اندک صورت گرفته است. کشف و شناسایی رجال و چهره‌های ناشناخته، مخصوصاً رجال هم‌نام و هم‌لقب - که از فحوای اسناد و سجات آن، سجع مهرها یا در یادداشت‌های مالکیت حاشیه کتب خطی و ... به دست می‌آید - از موضوعات جالب تاریخ‌پژوهی به عنوان یک رشته پایه و کمکی آن است. میرزا تقی‌خان کیانی مازندرانی نیز با توجه اسناد و روایات بر جای مانده، یکی از این چهره‌ها است که احتمالاً به علت تشابه القاب دو شخصیت هم‌لقب و هم‌زمان در منابع رجالی، بدان پرداخته نشده است. طبق برآوردی که از تعداد القاب بر اساس اطلاعات و شرح حال به عمل آمده، حدود یک چهارم رجال در دوره

قاجاریه، دو لقب و حدود یک دهم آنان سه لقب و بیشتر گرفته‌اند.^۱ به همین مناسبت بازشناسی این افراد هم‌لقب، جز با در دست داشتن یک کرونولوژی معین از زندگی آنان، دشوار خواهد بود. پژوهنده با آگاهی و اشراف بر این دشواری‌ها و موانع، با دسترسی به تعدادی سند،^۲ به تجزیه و تحلیل اسنادی، نه از حیث طغری‌شناسی، که از زاویه محتوایشناسی اسناد و نیز با تکیه بر برخی از منابع تاریخی، به بازشناسی چهره فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میرزا تقی خان کاردار کیانی (معتصم الملک) پرداخته است.

۱. چهره فرهنگی معتصم الملک کیانی:

۱-۱. شاعری

اسناد بر جای مانده از میرزا تقی خان کاردار کیانی، (معتصم الملک) او را به عنوان رجلی سیاسی به ما می‌نمایاند، اما با وجود آنکه در حال حاضر، نگارنده از تخلص شعری او اطلاعی ندارد، اما دانسته می‌شود که شعر می‌سروده است و ظاهراً دستی در قصیده داشته، حتی به رسم نقد و نظر، بعضی اشعارش را نیز برای بزرگان و مقامات سیاسی آن روزگار ارسال می‌داشته است. (سند ۲)^۳

۱-۲. ارتباط با محفل شعرا

دیوان یا مجموعه اشعاری از معتصم الملک کیانی دیده نشده، ولی بدون شک با محافل شعری و شاعران سرشناس روزگار خود، آمد و شدی داشته است. اسامی برخی از این شاعران، عبارتند از: پرویز ناتل خانلری: از آنجا که وی خواهرزاده معتصم الملک کیانی بوده، در ضمن یادآوری خاطراتش از نیما یوشیج (پسر خاله مادرش) از این محفل چنین یاد می‌کند:

«هر گاه به محفل ادبی دیگری می‌رفتم [غیر از محفل نیما] یا سری به دایی بزرگم معتصم الملک می‌زدیم - که شعر می‌گفت - و او یکی از قصاید غزای خودش را می‌خواند، من از شنیدن طرز شعر خوانی این گروه از شاعران پیرو متقدمان، ناراحت می‌شدم و به نظرم می‌آمد که از شعر، جز قافیه و وزن، چیزی نمی‌خواهند...»^۴

نیما یوشیج: از طرفی، پسر خاله معتصم الملک بوده و از طرف دیگر، از او و محفل شعری‌اش به شدت متأثر شده؛ از این رو از وی، جزئیات بیشتری را به یاد می‌آورد:

«من در خردسالی خیلی شیطان بودم. به منزل خاله‌ام، مادر تقی کیانی کاردار، می‌گریختم؛ با پای برهنه از بازارها و کوچه‌های نم‌بسته و مرطوب که آثار قدیم آن هنوز به جا بود، می‌گذشتم... سر راه من، دالان دولت‌سرای عضدالملک نایب‌السلطنه بود با چراغ کم روشن توی دالان و قراول دم در، با لباس مخصوص

۱. اشرف، «القاب دیوانی در عهد قاجار»، آینه، ص ۲۹-۳۳.

۲. از فرزانه گرامی آقای عبدالحسین طالعی که نسخه دیجیتال اسناد را در اختیار نهاده و مشوق انجام این پژوهش بودند، سپاسگزارم.

۳. تمامی اسناد این پژوهش برگرفته از کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره بازبایی ۱۶۷۶۴ است.

۴. ابولقاسمی و دیگران، قافله سالار سخن: خانلری.

قدیم قراول‌های زمان پیش از مشروطه، همه چیز قدیمی [بود]. من درست یادم می‌آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می‌خواندند تا صبح و احتشام‌الملک، پدر همین خانلری، در زاویه به حساب خود زندگی می‌کرد. آنها تا صبح نظامی می‌خواندند؛ تأثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که اصلاً در خصوص شعر فکر نمی‌کردم. تقی کیانی کاردار (معتصم‌الملک) در من تأثیر مهمی دارد، بدون آنکه خودش بداند...^۱.

نیما یوشیج در جای دیگر، تقی کاردار کیانی یا همان معتصم‌الملک را استاد بزرگ شعر کلاسیک معاصر می‌داند و از اینکه آثاری از این استادان نمانده، تأسف می‌خورد:

«روزگار امروز، اسمی از استادان بزرگ مثل علامه حائری نمی‌شناسد و اسمی از تقی کاردار، استاد و بزرگ شعر کلاسیک معاصر و غیره و غیره. اگر آثاری از این استادان باقی نماند، اهمیت ندارد! جهان، جهان است و کسانی بوده‌اند که اصلاً مردند با آثار آبرومندشان...!»^۲

۳-۱. ارتباط با دانشمندان و علما

عباس اقبال آشتیانی: وی در مقدمه تاریخ طبرستان، ضمن توضیح «نسخه اساس» مورد استفاده‌اش، رابطه خود را با معتصم‌الملک کیانی، چنین توصیف می‌کند:

«مجموعه این دو نسخه نفیس، ابتدا ملک آقای تقی کیانی مازندرانی (معتصم‌الملک) از دوستان نگارنده بود و ایشان، آن را در حدود سال ۱۳۰۳ شمسی مدتی به اینجانب به امانت سپردند و در همین ایام از آن استفاده‌های بسیار شد».^۳

میرزا مهدی آشتیانی: جلال‌الدین آشتیانی نیز ضمن نقل خاطراتی از استادش میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۷۲-۱۳۰۶ ق) از بخشش ملکی می‌گوید که معتصم‌الملک به شیخ مرتضی آشتیانی (متولد ۱۲۸۰ ق) فرزند میرزا حسن آشتیانی (وفات ۱۳۱۹ ق) مبارز سرشناس و رئیس علمای تهران در جنبش تنباکو و نماینده میرزای بزرگ شیرازی، بخشیده بود^۴ که خود حاکی از نوع و نحوه ارتباط معتصم‌الملک کیانی با علماء و دانشمندان معاصر خویش است.

۲. میرزا تقی خان کیانی (معتصم‌الملک) و سیاست:

از فحوای این اسناد روشن می‌شود که معتصم‌الملک کیانی، از مقامات نسبتاً بلند پایه و شناخته شده اواخر قاجاریه بوده است، تا جایی که رسماً از سوی ارفع‌الدوله، وزیر عدلیه وقت، به جشن تاج‌گذاری احمد شاه دعوت می‌شود.^۵ چنان که وی، در برج سرطان سنه یونت بیل یک‌هزار و سیصد و سی و شش، از سوی

۱. طاهباز، پر درد کوهستان: درباره زندگی و هنر نیما یوشیج، ص ۱۸ و ۱۷.

۲. طاهباز، مجموعه کامل نامه‌های نیما یوشیج، ص ۳۶۱.

۳. بهاء‌الدین محمد، حسن بن اسفندیار کاتب، تاریخ طبرستان، ص ۱۶.

۴. آشتیانی، هستی از نظر فلسفه و عرفان.

۵. سند شماره ۱۱.

وزارت داخله دولت علیه ایران، به سمت معاونت حکومت عربستان منصوب می‌گردد.^۱ در آغاز رژیم مشروطه، معتصم‌الملک در مازندران به وکالت مردم ساری تعیین و به تهران اعزام می‌گردد، ولی چون دیر به پایتخت می‌رسد، به مجلس معرفی نمی‌شود. مرحوم اسماعیل مهجوری در جلد دوم تاریخ مازندران، ذیل توضیحات در همین مورد ذکری نیز از معتصم‌الملک نموده که جایگاه سیاسی و اجتماعی او را نشان می‌دهد:

«در سال مزبور که نظام‌السلطان حکمران مازندران بود، تلگراف‌هایی از دولت مشروطه تهران و مجلس شورا برای تشکیل انجمن‌های ولایتی و ایالتی و انتخاب وکلا به ایالات و ولایات من جمله ساری و بار فروش (بابل) شده بود. مرحوم ملامحمد جان غلام رئیس با حرارت انجمن مشروطه خواهان بابل بی‌درنگ مطابق دستور پایتخت انجمن نظارت را تشکیل داد و مقررات انتخاب را اجرا نموده؛ در نتیجه آقایان مفتخرالممالک و محمد علی تاجر مازندرانی به نمایندگی انتخاب و اعزام شدند، اما در ساری وضعی پیش آمد که دستور مرکز به تأخیر افتاد و پس از چندی مردم اجتماع نموده، عده‌ای را به نظارت انتخاب کردند و در خانه مرحوم آقا شیخ علی اکبر طبری مجتهد، انجمن نظارت تشکیل شد... و در نتیجه آقایان سید عباس شریف‌العلماء خاوری و معتصم‌الملک به وکالت ساری تعیین و به تهران رفتند، ولی چون دیر رسیدند، به مجلس معرفی نشدند.^۲»

۳. جایگاه اجتماعی معتصم‌الملک از فحوای اسناد

بدیهی است که القاب، عناوین^۳ و خطاب‌های به کار رفته در اسناد، مکتوبات، سجع مهرها و سجات، در گذشته به هیچ وجه اتفاقی و از روی تفنن نبوده است. در واقع القاب و عناوین، بیانگر درجه، مرتبه و جایگاه اجتماعی اشخاص بوده است. در این اسناد، «طامسن کلدور» در قالب یک نامه رسمی در مقام «مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر» به معتصم‌الملک و در مقام «معاون حکومت عربستان» خطاب شده است.

۴. متن بازنویسی شده اسناد^۴

این اسناد که روی کاغذ فرنگی به رنگ نخودی روشن و با خط نستعلیق خوانا به نگارش آمده، یک دست نیست و چون تعداد نمونه‌ها اندک بودند، ساختار منسجم و قابل تعمیمی نمی‌توان ارائه نمود. امضای «طامسن کلدور» در تمامی اسناد لاتین است. در این اسناد علاوه بر تأکید پژوهش بر شخص میرزا تقی‌خان کاردار کیانی یا همان معتصم‌الملک، به نکات دیگر همچون تاریخ محلی شوشتر و رجال سرشناس آنجا - که نام برخی از آنان نیز ذکر شده - و تاریخ شرکت انگلیسی نفت - که احتمالاً یکی از دلایل ایجاد

۱. سند شماره ۱.

۲. مهجوری، تاریخ مازندران، ص ۲۳۰.

۳. در بحث رتبه‌بندی و منزلت در القاب، بنگرید: القاب نامه، نویسنده ناشناس، نسخه خطی به شماره بازیابی ۱۷۶۶۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۴. برگرفته از نسخه خطی شماره ۱۶۷۶۴ مجلس

کنسول در شوشتر نیز وجود نفت و سوق الجیشی بودن آنجا بوده است - می‌توان توجه نشان داد. از آنجا که بستر تاریخی این اسناد، جغرافیای عربستان (خوزستان) در اواخر قاجاریه است، برای اطلاعات جزئی‌تر و تاریخ محلی جنوب ایران، می‌بایست به منابع جغرافیایی آن دوره اشاره کرد. عبدالله خان قره گوزلو (ساعداالسلطنه)، در رساله جغرافیای خوزستان، اوضاع و احوال عربستان و شهرهایش شامل شوشتر، دزفول، محمره، حویزه و رامهرمز را در اواخر قاجاریه، به خوبی توصیف نموده است، به‌ویژه آنکه از وجود نفت در حوالی شوشتر و وجود جهاز کمپانی انگلیس در این شهرها، حکایات جالبی دارد.^۱

۴-۱. سند شماره ۱

[از وزارت داخله به میرزا تقی‌خان معتصم‌الملک، موضوع: انتصاب به معاونت حکومت عربستان] وزارت داخله. اداره پرسنلی. نمره ۲۶۳۴.

وزارت داخله به موجب این حکم، مقرر می‌دارد: از این تاریخ که بیستم برج سرطان سنه یونت ییل یک‌هزار و سیصد و سی و شش است، آقای میرزا تقی‌خان معتصم‌الملک، به سمت معاونت حکومت عربستان منصوب و مسئولیت این کار به عهده مشارالیه محول و در ازاء این خدمت، ماهی یک‌صد و بیست تومان که عبارت است از یک‌هزار و دویست قران در روز حرکت در حق او برقرار است. [مهر با سجع: وزارت داخله دولت علیه ایران ۱۲۳۰].

۴-۲. سند شماره ۲

[از کابینه ولایت عهد به معتصم‌الملک، موضوع: رسیدن منظومه اشعار ارسالی] کابینه ولایت عهد. مورخه ۱۵ / شهر رجب / ۱۳۳۵.

معتصم‌الملک: مشروحه و منظومه شما رسید و موجب نهایت خوش‌وقتی و مسرت شد و اشعار را مکرراً ملاحظه نمودم؛ محظوظ شدم. ملاطفت من نسبت به شما، کماکان باقی و لایتغیر است. همه وقت سلامت حالات خود را به عرض برسانید.

۴-۳. سند شماره ۳

[از طامسون کلدور به معتصم‌الملک، موضوع: حرکت به اهواز]

۳ سپتمبر ۱۹۱۸

خدمت ذی‌مرحمت، جناب مستطاب اجل امجد عالی، آقای معتصم‌الملک، معاون حکومت عربستان - دام اقباله - محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌سازد از قرار مسموع که الان شنیده شد دو جهاز از در خزینه ساعت هفت انگلیس صبح روز چهارشنبه به طرف اهواز حرکت خواهد کرد؛ زحمت کشیده، به جناب جلالة‌المآب، آقای مشیر علوم، اطلاع دهید [...] عزت مستدام. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسن کلدور [امضا به لاتین].

۱. جغرافیای خوزستان، قره گوزلو، نسخه خطی ش ۱۷۶۰۰، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۴-۴. سند شماره ۴

[از طامسون کلدور به معتصم الملک، موضوع: حرکت با جهاز کمپانی نطف به اهواز]

۲ سپتمبر ۱۹۱۸

خدمت ذی مسرت، جناب مستطاب اجل امجد عالی، آقای معتصم الملک، معاون حکومت عربستان - دام اقباله - مرحمت فرموده به توسط حامل اعلام دارند که آیا ترتیبات ذیل به وفق مرام است؛ یعنی یوم چهارشنبه به ذریعه جهاز کمپانی نطفاز در خزینه حرکت فرمایید. در اهواز جناب جلالة المآب، آقای شیخ عبدالحمید خان، تهیه اقامت سرکار را خواهند کرد. جناب جلالة المآب آقای ینفتت [؟] که رئیس سیاسی اهواز شام چهارشنبه در اهواز خواهند بود و امید است که جناب عالی را به **ذریعه متر عجمی نوشتند** تا اینکه جناب عالی قبل از حرکت حضرت اجل حکومت [...] به شوشتر مراجعت فرمایید. جناب جلالة المآب آقای ینفتت که در هر صورت مساعدت خواهند کرد [...] عزت مستدام باد. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسون کلدور. [امضا به لاتین]

۴-۵. سند شماره ۵

[از طامسن کلدور به معتصم الملک، موضوع: ارسال چک]

۲۴ نومبر ۱۹۱۸.

خدمت ذی مسرت، جناب جلالت مآب اجل عالی، آقای معتصم الملک، معاون حکومت عربستان. اینک یک قطعه چک معادل مبلغ یک صد و پنجاه تومان حقوق برج عقرب، نقداً ارسال است. مرحمت فرموده پس از وصول، رسید مرقوم دارید. عزت مستدام. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسن کلدور.

۴-۶. سند شماره ۶

[از طامسن کلدور به ...، موضوع: درخواست تنبیه مجرمان]

۹ دسمبر ۱۹۱۸

حضرت مستطاب اجل، دوست مشفق معظم مهربانا، خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد بر اینکه اسدالله، رحمت، احمد و بهروز، سواران آن اداره جلیله که مأمور جمع آوری سیدار [؟] بوده‌اند، به اهالی یسارات [؟] که راجع به جناب حاجی سید حسن است، اذیت و بدرفتاری نموده‌اند و اینک حاج سید حسن مذکور مع **قاپر** ده مزبور و غیره را به محضر انور فرستادیم. خواهشمند است استنطاق فرموده، امر شود مجرمین را تنبیه نمایند و نتیجه را اعلام فرمایید. ایام شوکت مستدام. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسن کلدور.

۴-۷. سند شماره (۷):

[از طامسن کلدور به معتصم الملک، موضوع: توضیح پرداختن حقوق]

۲ جنوری ۱۹۱۹

خدمت جناب جلالت مآب اجل عالی، آقای معتصم الملک - دام اقباله عالی - در جواب رقیمه شریف،

محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌سازد بر اینکه در بغداد یک‌هزار تومان بابت حقوق گذشته پرداخته شد و نیز دو مرتبه که دفعه‌ای پانصد تومان ادا شده که کلیه دو هزار تومان است و در حسابی که حضرت اجل، آقای حاجی منفح [؟] الملک داده بودند که چهار هزار تومان کلیه آن بود و دو ماه حقوق جناب عالی نیز ضمیمه بوده که آن معادل سیصد تومان باشد. در خاتمه اقبال بر قرار باد. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسون کلدور.

۴-۸. سند شماره ۸

[از طامسن کلدور به معتصم الملک، موضوع: ارسال یک نسخه اعلان]

۱۳ اکتوبر ۱۹۱۸

خدمت ذی‌مسرت، جناب مستطاب اجل امجد عالی، آقای معتصم الملک، معاون حکومت - دام اقباله عالی - اینک یک نسخه اعلان جهت ملاحظه و مطالعه، نقداً ارسال است و مرحمت فرموده پس از مطالعه، مرجوع فرمایید. ایام شوکت مستدام. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر. طامسن کلدور.

۴-۹. سند شماره ۹

[از طامسن کلدور به...، موضوع: ملاقات]

مورخه ۱۳ اکتوبر ۱۹۱۸

فدایت شوم. در جواب مرقومه شریفه، امروز عصر ساعت چهار انگلیس جهت ملاقات به قلعه [؟] خواهم آمد. در خاتمه تجدید ارادت قلبی می‌باشد. دوستدار، طامسن کلدور.

۴-۱۰. سند شماره ۱۰

[از طامسن کلدور به معتصم الملک، موضوع: شرفیابی]

۳۰ اگست ۱۹۱۸

خدمت ذی‌مرتب، جناب مستطاب اجل، آقای معتصم الملک معاون - دام اقباله عالی - محترماً خاطر شریف را مسبوق می‌دارد که امروز ساعت شش انگلیس، دوست‌دار جهت بازدید آن وجود محترم شرفیاب شوم، اگر وقت داشته باشند. و مایل هستیم که جنابان جلالت‌المآب اجل، آقای مشیر علوم کارگزار بندر عباس و آقای مصطفی قلیخان، رئیس نظمی و آقای داکر نیز حضور داشته باشند. ایام بکام باد. مأمور سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم شوشتر، طامسن کلدور.

۴-۱۱. سند شماره ۱۱

[از وزارت عدلیه به معتصم الملک، موضوع: دعوت حضور در جشن تاج‌گذاری احمد شاه]

وزارت عدلیه، تاریخ ۲۴ شهر شوال سنه ۱۳۳۲

پرنس ارفع‌الدوله وزیر عدلیه از جناب آقای معتصم الملک - دام اقباله - خواهشمند است در شب سه‌شنبه ۷ م یک ساعت از شب گذشته، به طاق کسری و مجلس جشنی که هیئت وزارت عدلیه برای تهنیت و مبارکی موقع تاج‌گذاری اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت، شاهنشاه جم‌جاه، سلطان احمد شاه قاجار - خلد الله ملکه و سلطانه - تشکیل نموده، تشریف بیاورید و این وزارت‌خانه را قرین تشکر و امتنان فرمایید.

منابع

- اشرف، احمد «القاب دیوانی در عهد قاجار»، آینده، سال نهم، ۱۳۶۲، ص ۳۳-۲۹.
- ابولقاسمی، محسن و دیگران، قافله سالار سخن: خانلری، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱.
- طاهباز، سیروس، پر درد کوهستان: درباره زندگی و هنر نیما یوشیج، تهران، زریاب، ۱۳۷۵.
- _____، مجموعه کامل نامه‌های نیما یوشیج، تهران: نشر علم، ۱۳۷۶.
- بهاء الدین محمد، حسن بن اسفندیار کاتب، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰.
- آشتیانی، جلال‌الدین، هستی از نظر فلسفه و عرفان، مشهد، زوار، ۱۳۸۰.
- مهجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، ایران، ساری، ۱۳۴۲.
- القاب نامه، نویسنده ناشناس، نسخه خطی به شماره بازیابی ۱۷۶۶۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- جغرافیای خوزستان، قره‌گوزلو، عبدالله خان (ساعد السلطنه)، نسخه خطی ش ۱۷۶۰۰، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

